

سرمقاله

وصال روحانی
روزنامه نگار«آلوز» پرتغالی
و سایه های کمرنگ
ایرانی او

یکی از ایرادات اساسی فوتبال ایران کمبود هافبک های خلاق و بازیساز است و ایستادن یک «خارجی» در صدر جدول پاسورهای گل لیگ بیست و دوم نشانه روشن و تازه ای در این خصوص است.

آن بازیکن خارجی ریکاردو آلوز هافبک پرتغالی تیم تراکتور است که نیمی از ۲۴ گلی که این تیم پس از گذشت ۱۹ هفته از این لیگ به ثمر رسانده، محصول مانورها و پاس های فرصت شناسانه وی بوده و دیروز هم سازنده تک گل سه امتیازی تراکتور مقابل هوادار بود. سرخ های تبریزی به همین خاطر قرارداد وی را به تازگی برای دو سال دیگر تمدید کرده اند و این یک پیام رسانی قاطع و پاسخگویی صریح به خواستاران پرشمار آلوز به حساب آمده که سرآمد آنها تیم استقلال تهران بوده است. گفته می شود استقلال یک نامه درخواست رسمی برای انتقال او به جمع مردان خویش طی خریدهای زمستانی به تراکتوری ها داده و پاسخ منفی شنیده.

وقتی هافبک های خلاق در فوتبال ما به کمترین تعداد می رسند و همان نفرات اندک هم فصل کم ثمری را پشت سر می گذارند، بدیهی است که یک هافبک وسط بازیساز خارجی در فرصتی کوتاه به ارج و قربی برسد که اینک آلوز در فوتبال ما به آن نایل شده است. پس از بازنشسته شدن مجتبی جباری و قاسم حدادی فر خلاق ترین هافبک وسط های نسل قبلی فوتبال ایران چشم ها و امیدها به سروش رفیعی فانتزی باز، محسن آذرباد تیزهوش و سعید صادقی فکور بود تا آنها در این زمینه بدرخشند و برترین پاسور گل های لیگ برتر شوند اما این سه نفر در فصل جاری حتی سایه ای از خویش نیز نبوده اند. رفیعی در بازگشتش به پرسپولیس هر چیزی بوده الا آن هافبک طراح و باهوشی که در دو فصل متوالی در سپاهان بیش از ۱۳ پاس گل تماشایی برای بارانش صادر کرد و انگار که پاس های او در عمق دفاع حریفان روی خطکش گذاشته شده بود. سعید صادقی هم که طی تابستان از گل گهر به جمع قرمزهای تهرانی آمد، در بد بودن گوی سبقت را از رفیعی ربوده و اگر هر دوی آنها یکی دو بازی خوب را هم ارائه داده باشند، در سایر مسابقات فرقی با تماشاگران نداشته اند. آذرباد هم لیگ برتر امسال فوتبال کشور را با حالت تقریباً تعطیل پشت سر نهاده است.

یک دلیل نوری چشم بودن آلوز استعداد و مهارت های او در بازیسازی و ارسال هوشمندانه پاس های منجر به گل برای «پرشورها» است اما سبب دیگر درخشش او و مطرح شدن فراوان کار ضعیف رقیب ایرانی وی و بیلان پرایراد آنها در رقابت های باشگاهی است. این هافبک های خواب فرفته و رنگ باخته کی از خواب غفلت بیدار شده و انجام وظیفه می کنند؟ با توجه به قلت چشمگیری این «پاسورهای گل» و همت کافی شان پاسخ این سؤال مشخص نیست اما با طولانی تر و وسیع تر شدن این عارضه، قطعاً اوضاع «آلوز» و «آلوز» های بعدی در فوتبال ما داغ تر شده و قیمتی برابر با شمش های طلا خواهند یافت و بر سر تصاحب شان چه دعوای که نخواهد شد!



مرفاوی

تمرین تیم آقا صمد

تیم جوانان ایران ساعت ۱۱ دیروز تمرین خود را در زمین چمن شماره دو مرکز ملی فوتبال برگزار کرد.

این تمرین پر فشار در حالی ۱۲۰ دقیقه طول کشید که بخش ابتدایی آن به انجام تمرینات هوازی با فشار مربوط به بدنسازی همراه بود. شاگردان صمد مرفاوی یک ساعت ابتدایی را به دوهای سرعتی و تمرین بدون توپ پرداختند. آنها سپس زیر نظر کادر فنی به انجام فوتبال در یک نیمه پرداختند.



برانکو ایوانکوویچ

تسلیمت فوت بلاژ

میروسلاو بلاژویچ سرمربی سابق تیم ملی صبح دیروز و در آستانه ۸۸ سالگی از دنیا رفت. بلاژویچ مدت ها با سرطان دست و پنجه نرم می کرد. برانکو ایوانکوویچ سرمربی سابق ایران که در حال حاضر هدایت تیم ملی عمان را بر عهده دارد، با انتشار پیامی در اینستاگرام خود درگذشت بلاژویچ را به خانواده او «صمیمانه» تسلیت گفت. برانکو زمانی که بلاژ سرمربی تیم ملی ایران بود، به عنوان دستیارش فعالیت می کرد.



محررم نویدکیا

سرمربی تیم امید کیست؟

سرمربی تیم امید چه زمانی انتخاب می شود؟ در حالی که جندی پیش حبیب کاشانی به عنوان سرپرست تیم امید از جانب کمیته ملی المپیک اعلام شد، اما فدراسیون فوتبال نه سرپرستی کاشانی را تأیید کرد و نه سرمربی را هنوز انتخاب کرده است. پیش از این گفته شد محررم نویدکیا سرمربی می شود که از جانب هیچ مسئولی تأیید نشد.

داستانی که هر چهار سال یک بار تکرار می شود

تیم امید، گوشت قربانی چهل ساله!



طی چند دهه اخیر ما بارها به رقابت های جام جهانی صعود کرده ایم و در عرصه پیکارهای نوجوانان و جوانان نیز سابقه قهرمانی و نایب قهرمانی در آسیا و رسیدن به جام های جهانی را داشته ایم اما تیم امید به طلسم بزرگی تبدیل شده است که شکسته نمی شود

دوباره داستان راه افتادن تیم ملی امید مطرح شده است و حرف و حدیث های مجددی پیرامون آن شنیده می شود که البته برای بخش وسیعی از اهالی فوتبال کاملاً حالت تکراری دارد و تقریباً عادت کرده ایم که در برهه های خاص زمانی این حرف ها را بشنویم. حرف های ملول از انگیزه و دستورات قاطع اما اقداماتی که به جایی نمی رسد و حاصل آن در تمام ۴۰ سال گذشته فقط ناکامی تیم ملی امید در رسیدن به رقابت های المپیک بوده و بس.

طی چند دهه اخیر ما بارها به رقابت های جام جهانی صعود کرده ایم و در عرصه پیکارهای نوجوانان و جوانان نیز سابقه قهرمانی و نایب قهرمانی در آسیا و رسیدن به جام های جهانی را داشته ایم اما تیم امید به طلسم بزرگی تبدیل شده است که شکسته نمی شود. حالا دوباره وزیر ورزش به عنوان مرد شماره یک این وزارتخانه دستور تسریع در روشن شدن تکلیف این تیم را داده است و فدراسیون نیز مدعی شده که همراه با کمیته ملی المپیک قضیه را پیگیری می کند اما می ترسیم باز هم سرنوشت المپیک های قبلی تکرار شود و رقابت های فوتبال بدون ایران برگزار شود. اتفاقی که به نظر می رسد در شرایط عادی متأسفانه احتمال وقوع آن اصلاً کم نیست مگر اینکه در هفته ها و ماه های آینده شرایط تیم امید واقعاً متحول شود. تیمی که فعلاً حتی سرمربی هم ندارد و امید چندانی به موفقیتش نمی رود.

آخرین حضور و سال های جنگ

تیم ملی فوتبال کشورمان اسفندماه سال ۱۳۵۸ جواز حضور

در رقابت های المپیک ۱۹۸۰ مسکو را به دست آورد اما با توجه به تحریم شدن این مسابقات از طرف دولت ایران، ما به پیکارهای مذکور نرفتیم و هیچکس در آن مقطع فکر نمی کرد رسیدن به المپیک برای فوتبال ایران به یک آرزوی بزرگ تبدیل شود. در دهه ۸۰ میلادی کشورها این اجازه را داشتند که با تیم ملی بزرگسالان خود راهی رقابت های المپیک شوند به همین خاطر تیم ملی ایران پس از تحریم المپیک ۱۹۸۴ لس آنجلس، برای حضور در رقابت های فوتبال المپیک ۱۹۸۸ سئول ثبت نام کرد اما در مجموع دو بازی رفت و برگشت مغلوب کویت شد و در سال های پایانی جنگ نتوانست به راه خود در عرصه پیکارهای انتخابی المپیک ادامه دهد.

ناکامی با جناب سرهنگ

از المپیک ۱۹۹۲ بارسلون قرار شد تیم های زیر ۲۳ سال هر کشور در پیکارهای فوتبال المپیک حاضر شوند. روی همین اصل زمستان سال ۱۳۶۹ حسن حبیبی به عنوان سرمربی تیم امید برگزیده شد و بود اما متأسفانه در همان مرحله اول پیکارهای انتخابی با وجود در اختیار داشتن بازیکنان فوق العاده ارزشمندی همچون خداداد عزیززی، افشین پیروانی، میرشاد ماجدی، بهزاد داداش زاده، یحیی گل محمدی و... از گردونه مسابقات حذف شدیم. در آن دوره مشکلات زیادی پیرامون تیم وجود داشت و برای نمونه بگوئیم قبل از بازی رفت با قطر، کار به گونه ای جلو رفت که صحتی، جواد کاظمیان و... اما متأسفانه در آن مرحله ناکام شدیم و دو شکست فوق العاده تلخ

تلخکامی با مایلی کهن

در پیکارهای انتخابی المپیک ۲۰۰۴ آتن ما به مرحله نهایی مسابقات گزینشی صعود کردیم و خیلی امیدوار بودیم تا بتوانیم به این مهم جامه عمل ببوشانیم. بازیکنان خیلی خوبی هم در اختیار داشتیم از مهدی رحمتی و وحید طالبلو گرفته تا محررم نویدکیا، محمد صرتی، جواد کاظمیان و... اما متأسفانه در آن مرحله ناکام شدیم و دو شکست فوق العاده تلخ

برابر کره جنوبی و چین آرزوهای ما را برای رسیدن به آتن پرپر کرد.

تیم بازنده

هدایت تیم امید ایران برای رسیدن به المپیک ۲۰۰۸ یکنواخت و بی نتیجه بود و به جرأت می توان گفت این مربی کروات اصلاً نتوانست روحیه جنگندگی و پیروزی را به بچه ها تزریق کند. ما نتایج خوبی نگرفتیم و اگر بخواهیم منصفانه به قضیه نگاه کنیم واقعاً شرایط حضور در المپیک را نداشتیم. آن تیم در شرایطی آماده حضور در مسابقات شد که فوتبال ما تازه داستان تعلیق را پشت سر گذاشته بود و رئیس فدراسیون نداشت.

فاجعه کارت زرد

تیم امید کشورمان برای رسیدن به المپیک ۲۰۱۲ لندن با یک فاجعه مدیریتی مواجه شد و به خاطر یک اشتباه که در نهایت هیچکس هم آن را گردن نگرفت در همان مراحل اول پیکارهای انتخابی حذف شد. کمال کامیابی نیا که در بازی رفت و برگشت مقابل تاجیکستان کارت زرد گرفته بود و محروم به حساب می آمد، توسط علیرضا منصوریان سرمربی وقت تیم امید برای جدال برابر عراق به میدان فرستاده شده و همین مسأله کافی بود تا کنفدراسیون فوتبال آسیا ما را سه بر صفر بازنده کند و تیم امید با وجود امیدواری فراوان بازیکنانش، از این پیکارها حذف شود! پس از وقوع این فاجعه، هیچکس آن را گردن نگرفت. از خود کامیابی نیا گرفته تا علیرضا منصوریان و اصغر حاجیلو که در آن مقطع سرپرست تیم بود. مثلث مدیریتی وزارت ورزش، کمیته ملی المپیک و فدراسیون فوتبال بتوانند تصمیم درستی برای این تیم بگیرند.

حسرت به دل با خاکپور

سرنوشت تیم ملی امید ایران برای رسیدن به المپیک ۲۰۱۶ ریو هم همانند ادوار گذشته بود. ما به مرحله نهایی پیکارهای انتخابی صعود کردیم و در آستانه حضور قرار داشتیم اما شکست در مرحله یک چهارم نهایی همه آرزوهای این تیم که توسط محمد خاکپور هدایت می شد را بر باد داد و یک المپیک دیگر هم از دست ما پرید.

دست خالی با استیلی

اگرچه پیکارهای انتخابی المپیک ۲۰۲۰ توکیو را با مرحوم زلاتکو برکناری او، ابتدا فرهاد مجیدی سرمربی تیم ملی امید شد ولی اختلاف نظرش با حمید استیلی که در آن مقطع مدیر این تیم به حساب می آمد موجب کناره گیری مجیدی گردید. در نهایت خود استیلی تیم را به مرحله نهایی رقابت های انتخابی در تایلند برد. در آنجا هم به نتیجه دلخواه نرسیدیم و دوباره حسرت نصیب ما شد.

سردرگمی بعد از رفتن مهدوی کیا

مهدی مهدوی کیا سال گذشته به عنوان سرمربی تیم امید برگزیده شد و در مرحله اول پیکارهای انتخابی هم صعود کردیم اما کاملاً مشخص بود که رابطه او با مدیران فدراسیون اصلاً خوب نیست. در نهایت پس از روی کار آمدن مهدی تاج، مهدوی کیا ترجیح داد کناره گیری کند. حالا پس از رفتن او ماه هاست که تیم امید در سردرگمی و بلاتکلیفی فرصت را از دست می دهد. امیدواریم این بار مثلث مدیریتی وزارت ورزش، کمیته ملی المپیک و فدراسیون فوتبال بتوانند تصمیم درستی برای این تیم بگیرند.